



شبهه استناددهی: آریافرد، حامد. وحدانی‌نیا، ولی‌اله. و اطهری، سید اسدالله. (۱۴۰۴). تاثیر تعارض منافع بر سیاستگذاری آموزش و پرورش: با تأکید بر رویه نمایندگان مجلس شورای اسلامی. آموزش، تربیت و توسعه پایدار، ۳(۳)، ۱-۱۳.



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تأثیر تعارض منافع بر سیاستگذاری آموزش و پرورش: با تأکید بر رویه نمایندگان مجلس شورای اسلامی

حامد آریافرد^۱، ولی‌اله وحدانی‌نیا^۲، سید اسدالله اطهری^۳

۱. گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه سیاست گذاری عمومی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران.

۳. گروه علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: vvnia@casu.ac.ir

چکیده

تعارض منافع، یکی از چالش‌های جدی حکمرانی آموزشی در نظام جمهوری اسلامی ایران است زیرا تأثیرات عمیقی بر کیفیت و عملکرد آموزش و پرورش داشته است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان قانون‌گذار، نقش مهمی در تعیین سیاست‌های آموزشی دارند اما در بسیاری از موارد، منافع شخصی بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیر منفی گذاشته است. رسالت نمایندگان مجلس، قانونگذاری و سیاستگذاری برای حل مسائل و بهبود نهادهایی از جمله آموزش و پرورش است؛ به طوریکه این نهاد آموزشی در همه کشورها به دلیل نقش مهم آن در تربیت و سرمایه‌گذاری انسان‌ها به عنوان اولویت نخست، شناخته شده است؛ با این حال سیاستگذاری‌های انجام شده در جمهوری اسلامی، به دلیل تعدد و تکرر تعارض منافع نمایندگان مجلس، نه تنها مسائل را لاینحل گذارده، بلکه آن‌ها را نیز تشدید نموده است. پژوهش حاضر با روش داده بنیاد درصدد پاسخ گویی به این پرسش است که چگونه می‌توان مداخله و تعارض منافع نمایندگان مجلس را بر مراحل اولیه فرایند سیاستگذاری در آموزش و پرورش تبیین و تحلیل نمود؟ نتایج پژوهش حاکیست نمایندگان مجلس در مراحل اولیه فرایند سیاست گذاری در آموزش و پرورش به دلایل مختلفی دچار تعارض منافع شده‌اند. مقوله‌های: (ضعف تقنین، ضعف نقش، تفکیک و ساختارنهادی ناکارا، ایدئولوژی) از جمله مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تعارض منافع در میان نمایندگان هستند.

کلیدواژه‌گان: تعارض منافع نمایندگان مجلس، جمهوری اسلامی ایران، سیاستگذاری آموزش و پرورش.

تاریخ ارسال: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

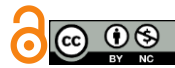
تاریخ بازنگری: ۲۰ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۴



How to cite: Aryafard, H., VahdaniNia, V.-A., & Athary, S. A. (2025). Impact of Conflict of Interest on Education Policy-Making: With Emphasis on the Practices of the Members of the Islamic Consultative Assembly. *Training, Education, and Sustainable Development*, 3(3), 1-13.



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Impact of Conflict of Interest on Education Policy-Making: With Emphasis on the Practices of the Members of the Islamic Consultative Assembly

Hamed Aryafard¹, Vali-Allah VahdaniNia^{2*}, Seyed Asadollah Athary³

1. Department of Political Science and International Relations, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Public Policy, Army Command and Staff University, Tehran, Iran

3. Department of Political Science, Tak.C., Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

*Corresponding Author's Email: vnia@casu.ac.ir

Abstract

Conflict of interest is one of the serious challenges of educational governance in the system of the Islamic Republic of Iran, as it has had profound impacts on the quality and performance of the education sector. Members of the Islamic Consultative Assembly, as legislators, play an important role in determining educational policies; however, in many cases, personal interests have negatively influenced their decision-making and policy formulation. The mission of the members of parliament is to legislate and develop policies to resolve issues and improve institutions, including the education sector, which in all countries is recognized as the top priority due to its crucial role in human development and investment. Nevertheless, the policy-making conducted in the Islamic Republic, due to the multiplicity and diversity of conflicts of interest among members of parliament, has not only left problems unresolved but has also exacerbated them. This study, using the grounded theory method, seeks to answer the question of how the intervention and conflicts of interest of members of parliament can be explained and analyzed in relation to the early stages of the education policy-making process. The findings indicate that members of parliament have experienced conflicts of interest in the initial stages of the education policy-making process for various reasons. The categories of *weak legislation*, *weak role performance*, *ineffective institutional separation and structure*, and *ideology* are among the most important factors contributing to the emergence of conflicts of interest among legislators.

Keywords: *Conflict of interest of members of parliament, Islamic Republic of Iran, education policy-making.*

Submit Date: 22 April 2025

Revise Date: 11 August 2025

Accept Date: 18 August 2025

Publish Date: 23 September 2025

تعارض منافع به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین حکمرانی در عرصه آموزش و پرورش، تأثیری مستقیم بر کیفیت، اثربخشی و عدالت در سیاست‌ها و تصمیمات این بخش دارد (Ansari, 2022; Vaseghi Badi & Bani Asad Dashtabi, 2022). این پدیده زمانی رخ می‌دهد که منافع شخصی، گروهی یا سازمانی بازیگران اصلی فرآیند سیاستگذاری بر منافع عمومی و الزامات حرفه‌ای غلبه پیدا کند و موجب شود که تصمیمات اتخاذ شده از مسیر منطق کارشناسی و شواهد تجربی منحرف شود (Harasani, 2023a, 2023b). در حوزه آموزش و پرورش ایران، جایگاه و نقش نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان قانون‌گذاران و ناظران کلان، به گونه‌ای است که می‌تواند در تمامی مراحل سیاستگذاری اثرگذار باشد (Zolfaghari, 2023)، اما شواهد متعدد حاکی از آن است که در بسیاری از موارد، این اثرگذاری تحت تأثیر منافع متعارض نمایندگان قرار گرفته و به شکل‌گیری و تشدید مشکلات ساختاری و عملکردی منجر شده است (Zeinaloo et al., 2019).

آموزش و پرورش در نظام جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از حوزه‌های حساس، استراتژیک و اولویت‌دار به شمار آمده است، زیرا مستقیماً با تربیت سرمایه انسانی و آینده توسعه کشور ارتباط دارد (Askari et al., 2019; Najipour, 2023). با این حال، فرآیندهای سیاستگذاری در این حوزه در چهار دهه اخیر، بارها تحت تأثیر ملاحظات جناحی، انگیزه‌های انتخاباتی و منافع اقتصادی ذی‌نفعان خاص قرار گرفته است (Karimian & Moghaddasi, 2019; Moghaddasi & Karimian, 2019). این شرایط، مصادیق روشن تعارض منافع را به‌ویژه در مرحله تعیین دستورکار و تدوین قوانین آموزشی آشکار ساخته است (Mortab et al., 2021). در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در نظام‌های حکمرانی شفاف، مکانیزم‌هایی برای شناسایی و مدیریت تعارض منافع در ساختار قانونگذاری وجود دارد، اما در ایران این مکانیزم‌ها یا به صورت محدود پیاده‌سازی شده یا اثربخشی لازم را نداشته است (Anamaradnezhad et al., 2021).

مفهوم تعارض منافع در ادبیات حکمرانی و سیاستگذاری عمومی، علاوه بر جنبه‌های اخلاقی و حقوقی، به عنوان یک متغیر مستقل اثرگذار بر کارایی و مشروعیت نظام‌ها بررسی شده است (Harasani et al., 2020). این پدیده با مفاهیمی همچون فساد ساختاری، ضعف شفافیت، محدودیت پاسخگویی و تضعیف اعتماد عمومی ارتباط مستقیم دارد (Rao, 2025; Silva et al., 2025). از منظر اجرایی، مدیریت ناکارآمد تعارض منافع می‌تواند به نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، کاهش کیفیت خدمات، و ایجاد بستر برای رانت‌جویی ساختاری منجر شود (Aryafard & Beigi Malekabadi, 2023; Gormley, 2025). بر این اساس، فقدان شفافیت در روابط بین‌قوه‌ای و نبود نظام ارزیابی کارآمد برای سنجش پیامدهای تصمیمات نمایندگان، یکی از مهم‌ترین عوامل تداوم این مسئله محسوب می‌شود (Harasani, 2020; Karimian & Moghaddasi, 2020).

ساختار نظام تقنینی و نظارتی آموزش و پرورش ایران، به‌ویژه با نقش‌آفرینی نمایندگان مجلس، در بسیاری از موارد دچار هم‌پوشانی نقش‌ها و ضعف تفکیک قوا بوده است (Öztel, 2025). نمایندگان علاوه بر ایفای نقش قانون‌گذاری، در انتخاب مدیران، تخصیص بودجه، تعیین محتوای آموزشی، تدوین آیین‌نامه‌ها و حتی فرآیندهای استخدام و انتصاب، مداخلات گسترده‌ای داشته‌اند. این وضعیت، نه تنها اصل تفکیک قوا را تضعیف کرده، بلکه فرصت بروز موقعیت‌های تعارض منافع را در سطوح گوناگون سیاستگذاری افزایش داده است (Altıntaş, 2025). به عنوان نمونه، تصویب طرح‌های غیرکارشناسی در حوزه جذب نیروهای آموزشی، حمایت ویژه از مدارس خاص یا مؤسسات آموزشی وابسته، و اعمال فشار برای تغییرات مدیریتی، از جمله مواردی هستند که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم منافع شخصی و گروهی بر فرآیند سیاستگذاری‌اند (Harasani, 2023b; Zeinaloo et al., 2019).

سیاستگذاری آموزشی در ایران همچنین اغلب با رویکرد ایدئولوژیک و ارزش‌محور همراه بوده است (Narayanan et al., 2025). این نوع سیاستگذاری، هرچند می‌تواند به انسجام اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی کمک کند، اما در شرایطی که مشارکت ذی‌نفعان مختلف و اتکای به شواهد علمی نادیده گرفته شود، خطر حذف دیدگاه‌های مخالف و محدودسازی فضای نقد و نوآوری را به همراه دارد (Adriansen et

(al., 2025). تجربه برخی کشورها نشان داده است که تمرکز بیش از حد بر ملاحظات ایدئولوژیک در سیاستگذاری آموزشی، نه تنها مانع رشد کیفیت می شود، بلکه موجب افت سرمایه اجتماعی نظام آموزشی و افزایش نارضایتی ذی نفعان می گردد (Gormley, 2025; Öztel, 2025). در این میان، رویکردهای نوین حکمرانی آموزشی، بر ضرورت استفاده از سیاستگذاری مبتنی بر شواهد، شفافیت کامل در فرآیند تصمیم گیری، و ایجاد نظام های پاسخگویی تأکید دارند (Ansari, 2022; Vaseghi Badi & Bani Asad Dashtabi, 2022). در چارچوب چنین رویکردی، شناسایی و مدیریت موقعیت های تعارض منافع باید به عنوان بخشی از الزامات ساختاری و قانونی نهادینه شود. همچنین، تقویت ظرفیت های نهادی، توسعه فرهنگ سازمانی ضد فساد، و ایجاد بسترهای مشارکت مؤثر ذی نفعان، می تواند به کاهش بروز تعارض منافع کمک کند (Harasani, 2023a, 2023b).

پژوهش حاضر با بهره گیری از روش داده بنیاد و مدل پارادایمی کوربین و اشتراوس، به تحلیل شرایط علی مؤثر بر شکل گیری تعارض منافع در سیاستگذاری آموزش و پرورش با تمرکز ویژه بر نقش نمایندگان مجلس شورای اسلامی پرداخته است.

روش شناسی

این پژوهش در صدد است که با استفاده از رویکردهای تحلیل اسنادی و نظریه داده بنیاد و بهره گیری از مدل پارادایمی کوربین و اشتراوس به تحلیل و تبیین داده های این پژوهش بپردازد. نظریه داده بنیاد در کل یکی از اولین رویکردهای روش شناختی نظام مند به پژوهش های کیفی از جزء به کل است. این فرایند در بردارنده توجه تحلیل مند دقیق و کاربست گونه های خاصی از کدها بر داده ها، از طریق مجموعه ای از چرخه های کدگذاری انباشتی است که در نتیجه به تولید فرضیه ها و نظریه ای هدایت می شود که بنیاد شده بر اساس داده های اصلی یک پژوهش می باشد. (سالدنا، ۱۳۹۹: ۸۱) روش زمینه ای (داده بنیاد) را از جمله روش های تحقیق کیفی محسوب کرده اند که امروزه غیر از رشته جامعه شناسی، در رشته های بهداشت و پرستاری، بازاریابی، مدیریت و... به کار می رود که با بکارگیری آن نظریه ای داده محور و استقرایی از درون داده ها ظهور می یابد. بر اساس نظر کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) این نظریه فنون و رویه های تحلیلی را در بر می گیرد که محقق را قادر می سازد، نظریه ای بنیادی را توسعه داده و معیارهای انجام علمی خوب را برآورده سازد. این معیارها عبارتند از: معناداری، سازگاری، مشاهده با نظریه، تعمیم پذیری نظری و تحلیلی، دقت و تایید. (محمدپور، ۱۴۰۰: ۲۷۵)

هدف عمده نظریه زمینه ای، کاوش در فرایندهای اجتماعی و موضوعاتی است که ماهیت فرایندی و سیال دارند. بر همین اساس اهداف و سؤال های اولیه نظریه زمینه ای نیز باید به صورت فرایندی، باز و انعطاف پذیر طرح شوند. محقق زمینه ای ممکن است مجبور شود سؤال ها یا اهداف را در خلال اجرای تحقیق تغییر داده یا اصلاح کند؛ دلیل اصلی آن است که کل فرایند تحقیق به شرایط و فرایندهایی وابسته است که در میدان مطالعه رخ می دهند یا وجود دارند. از این رو در اکثر موارد امکان دارد محقق با سؤال یا هدف (الف) شروع کند و با سؤال و هدف (ب) به فرایند تحقیق ادامه داده و از میدان مطالعه خارج شود. بنابراین تحقیق زمینه ای نیز مانند همه روش های کیفی ماهیت مارپیچی، بازگشتی و غیرمترقبه دارد. (همان: ۲۸۲). در این راستا بعد از گردآوری داده های مصاحبه ای و متنی، تحلیل و کدگذاری در امتداد نمونه گیری نظری آغاز می شود. فرایند کدگذاری داده ها در نظریه زمینه ای دارای سه مرحله است؛ کدگذاری باز که حاصل خوانش اولیه متن هستند، کدگذاری محوری که از دل کدهای باز استخراج می شوند و کدگذاری گزینشی که تلفیقی از کدهای باز و محوری هستند. منظور از کدگذاری عبارت است از عملیاتی که طی آن داده ها تجزیه، مفهوم سازی و به شکل تازه ای در کنار یکدیگر قرار می گیرند. این همان فرایند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده ها تدوین می شود. در کل هدف کدگذاری این است که داده ها و پدیده ها را در قالب مفاهیم درآورد و به این منظور ابتدا داده ها از هم مجزا می شوند. در این فرایند عبارت ها هم بر اساس واحدهای معنایی دسته بندی می شوند تا متعلقات و مفاهیم به آن ها ضمیمه شوند. (فلیک، ۱۳۹۰: ۲۳۰-۲۲۹).

مدل پارادایمی شامل شرایطی از جمله: شرط علی- زمینه ای- مداخله ای- راهبرد و پیامد می‌باشد که این مقاله بر آن است صرفاً به شرایط علی و چگونگی تأثیرات آن بپردازد. در این خصوص؛ داده‌های پژوهش نخست از طریق مطالعه اسناد گردآوری شده و مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در مرحله بعد؛ روش داده بنیاد با ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته با بهره‌گیری از مدل پارادایمی کوربین و اشتراوس مورد استفاده قرار گرفت. این مدل به پژوهشگر امکان می‌دهد تا از طریق کدگذاری نظام‌مند، به استخراج نظریه‌ای برخاسته از داده‌ها بپردازد. در واقع داده‌های تجربی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان کلیدی گردآوری شده‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهایی چون تخصص، تجربه عملی و ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، صورت گرفته است.

در مرحله سوم کدهایی را از مصاحبه استخراج نموده که حاصل فرآیند دقیق کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) هستند. فرایند تحلیل شامل مرور نظام‌مند اسناد و مصاحبه‌ها، شناسایی واحدهای معنایی، کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم در قالب مقوله‌های اصلی بوده است. این روش با رویکرد استقرایی، امکان کشف معناهای پنهان و ساختارهای مفهومی را فراهم نموده و به درک عمیق‌تری از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان منجر شده است.

در خصوص افزایش اعتبار و روایی داده‌ها و یافته‌ها از روش‌های زیر استفاده شده است:

۱. مثلث‌سازی داده‌ها: ترکیب داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و اسناد برای تقویت اعتبار تحلیل‌ها
 ۲. بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان: ارائه یافته‌ها به برخی از مشارکت‌کنندگان جهت تأیید یا اصلاح
 ۳. مقایسه مستمر: بررسی مداوم داده‌ها در طول فرآیند تحلیل برای شناسایی الگوهای پایدار
- گفتنی است، جامعه آماری این پژوهش، معلمان آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه فرهنگیان هستند که جهت نمونه‌گیری دارای ملاک‌های زیر برای مصاحبه بودند:

معلم بودن، باتجربه بودن، داشتن آگاهی از مسائل آموزش و پرورش، آگاهی از ابعاد تعارض منافع در آموزش و پرورش، آگاهی از ابعاد سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش با محوریت نمایندگان مجلس.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه شونده‌ها

مصاحبه شونده	شغل	سابقه	مدرک تحصیلی	میزان آشنایی با بحث
۱	فرهنگی، استاد دانشگاه، مدیر گروه علمی آموزش و پرورش	۱۰ سال	دکتر	بسیار زیاد
۲	فرهنگی، استاد دانشگاه، مدیر گروه علمی آموزش و پرورش	۳۲ سال	دکتر	بسیار زیاد
۳	فرهنگی، رییس اسبق پژوهشکده تعلیم و تربیت، استاد دانشگاه	۳۰ سال	دکتر	بسیار زیاد
۴	فرهنگی و مدیر گروه علمی آموزش و پرورش	۶ سال	دکتر	بسیار زیاد
۵	فرهنگی و استاد دانشگاه	۳۲ سال	دکتر	بسیار زیاد
۶	معاون توسعه، مدیریت و پشتیبانی اسبق وزارت آموزش و پرورش و استاد دانشگاه	۳۴ سال	دکتر	بسیار زیاد
۷	استاد دانشگاه فرهنگیان	۳۴ سال	دکتر	بسیار زیاد
۸	فرهنگی و استاد دانشگاه فرهنگیان	۲۳ سال	دکتر	بسیار زیاد
۹	فرهنگی و رییس پژوهشکده تعلیم و تربیت و استاد دانشگاه فرهنگیان	۳۳ سال	دکتر	بسیار زیاد
۱۰	فرهنگی و عضو شورای تحقیقات آموزش و پرورش	۲۹ سال	دکتر	بسیار زیاد
۱۱	فرهنگی و استاد دانشگاه	۱۰ سال	دکتر	بسیار زیاد
۱۲	فرهنگی و پژوهشگر	۲۹ سال	دکتر	بسیار زیاد

یافته‌ها

در این بخش، تمرکز پژوهش، بر شرط علی است که به بررسی عوامل زمینه‌ساز و محرک شکل‌گیری پدیده می‌پردازد. به همین منظور، کدهای باز، محوری و گزینشی استخراج‌شده از داده‌ها در قالب جدول زیر ارائه شده‌اند. این کدها پس از تحلیل، بر اساس شباهت‌های معنایی و مفهومی در چند مورد، مقوله بندی و شده‌اند تا ساختار علی پدیده به‌صورت شفاف‌تر و دقیق‌تر مشخص گردد.

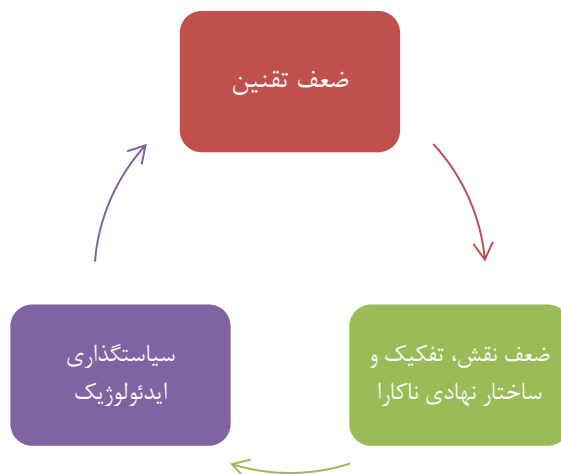
جدول ۲. داده‌های کدگذاری شده

کدهای باز	کدهای محوری	کدهای گزینشی	مضامین اصلی
پراکندگی قوانین تعارض منافع در اسناد قانونی	آشفته‌گی قوانین تعارض منافع	اعتشاش تقنین تعارض منافع	ضعف تقنین‌ضعف تقنین
منافع مجلس به عنوان یک نهاد بیرونی در تعارض با آموزش و پرورش است.	ضعف در تعریف منافع در قوانین	ادراک منافع ضعیف در تقنین	
تخصصی نبودن و از جنس معلم نبودن کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی و... برای پیگیری معیشت و طرح‌هایی مانند رتبه‌بندی در آموزش و پرورش	ناکارآمدی ساختار و نظام قانونگذاری آموزش و پرورش به دلیل گسست کنشگری معلمان و نمایندگان	ناکارآمدی نهاد تقنینی-گسست نمایندگی	
تأثیر قانون‌سازی در دو سطح مجلس(نمایندگان) و دولت(شورای عالی آموزش و پرورش و لوايح) که هر کدام ممکن است منفعی داشته باشند.	چندگانگی و تعدد نهادهای قانون‌گذار در پی‌گیری منافع متضاد(نهادی موازی و متضاد)	تعارض نهادی تقنینی-نهاد موازی تقنینی	
تأثیر نمایندگان بر شکل‌گیری تعارض منافع در سیاستگذاری آموزشی هم می‌تواند به صورت عمومی باشد و هم در قالب کمیسیون‌های تخصصی	تأثیر چندسطحی نمایندگان بر سیاست آموزشی و مداخله آنها. (نهادی)	مداخله تقنینی	
تأثیر پنهان‌کاری در قوانین تصویب شده برای رانت‌خواری (مثلاً بازنشرن دادن قوانین و فقط به بستگان خود گفتن)	رانت اطلاعاتی(اداری)	رانت تقنین اطلاعاتی	
تصویب قوانین برای استخدام نهضتی-ها و حق‌التدریس‌ها	سوگیری تقنین	قوانین جهت‌دار	
تصویب قوانینی که حتی به ضرر استان یا کشور است بیشتر به دلیل جلب نظر رای-دهندگان و محبوبیت نزد آنها است.	فقدان سازوکار و ساختار درست انتخاباتی		
تأثیر حق استیضاح(به ابزاری در دست نمایندگان برای انتصاب مدیران تبدیل شده است)	سواستفاده از ظرفیت‌های قانونی(ساختاری-اداری)	استیضاح ابزاری	
نمایندگانی که برای آموزش و پرورش قانونگذاری می‌کنند گاه‌ها معلم نیستند	ناآگاهی نقشی در آموزش و پرورش	ناآگاهی تقنینی-نقشی	
تأثیر نمایندگان و افراد ذی نفوذ(به جهت عامل اقتصادی به دنبال قوانین و بخشنامه-هایی هستند تا منافع خود را کسب کنند)	تأثیر سیاستگذاری سفارشی ذی‌نفوذان	قوانین جهت‌دار	
نمایندگان درگیر خرده‌رای‌های حوزه انتخابیه خود هستند.	ضعف سازوکارهای نمایندگی	حامی پروری	ضعف نقش، تفکیک و ساختار نهادی ناکارا
وابستگی اقتصادی و سیاسی نمایندگان و سهم آن‌ها در مدارس غیردولتی	ضعف نظارت مدارس متأثر از منافع نمایندگان	نفوذ ساختاری نمایندگان	
نمایندگان برای تغییر مدیران و منافع خود به وزارتخانه‌ها رفت و آمد می‌کنند.	مداخله نمایندگان در سایر نهادها	مداخله نقشی نمایندگان	
نمایندگان دچار تعارض منافع ملی-منطقه‌ای هستند بطوریکه مثلاً در کار شوراهای شهر و یا قوه مجریه نیز دخالت می‌کنند.	مداخله نمایندگان در سایر نقش‌ها	تداخل نقشی	
تأثیر تداخل نقش‌ها توسط نهادها و افراد(مثلاً نماینده وارد نقش‌های دیگران می‌شود و نه	تداخل نقش نهادی و ضعف پاسخگویی ساختاری سیاستگذاری و جابه‌جایی نقش‌ها	تداخل نهادیتداخل نقشی	

خود پاسخگو است و نه اجازه پاسخگویی و شفاف سازی می دهد و نه اجازه شکل گیری احزاب می دهند)			
چند پارگی نقش و ابهام مرز گذاری نهادی در سیاست گذاری	چند پارگی نقش ضعیف مرزی	چند بخشی شدن دنیای سیاست (قلمرو ذهنی و عینی مشخصی نداریم و زیکزاک و نقش های مختلف و یکدیگر می شویم)	تأثیر عدم شناخت حقوق و تکالیف (چون اینها را نمی دانیم وارد نقش یکدیگر می شویم)
نا آگاهی و تداخل نقش (نهادی)	ابهام نقشینا آگاهی نقش	تأثیر نمایندگان (حتی در انتخاب آبدارچی در ادارات و مدارس آموزش و پرورش دخالت می کنند و همین ها بعدا معلم و مدیر می شوند)	قانونگذاران توجه محدود به اولویت داشته اند و راهکار و ضمانت اجرایی برای رسیدن به اهداف تعیین نشده است.
انحصار غیر تخصصی در انتصاب و استخدام و انحراف از نقش (نهادی)	تداخل نقشی-نفوذ فراگیر	قانونگذاران به آموزش بی توجه بوده اند و پاسخگویی ضعیفی داشته اند	اشغال پست های مدیریتی توسط خویشاوندان و نزدیکان نمایندگان مجلس
ضعف در انتخاب اولویت های آموزش و پرورش و عدم مسئولیت پذیری	نا آگاهی عملکردی و مسئولیت گریزی	بی توجهی به آموزش و فقدان پاسخگویی	تأثیر تعارض منافع نمایندگان مجلس به عنوان موسس و یا حامی این مدارس (یا موسسان مدارس نمایندگان را پشتیبانی مالی می کنند و یا خود مدرسه دارند)
مدیریت خانوادگی آموزشی	خویشاوندسالاری سیاسی	منافع مالی-سیاسی نمایندگان و موسسان در فرایند سیاست گذاری آموزشی	تأثیر روابط نمایندگان مجلس در آموزش و پرورش
تأثیر روابط رسمی و غیر رسمی مبتنی بر منافع افراد	روابط ذی نفعانه	تجلی منافع شخصی در ساختار تصمیم گیری	تأثیر تعارض منافع نمایندگان مجلس (طرح-هایی که تصویب می کنند به نفع مدارس پشتیبانی کننده یا مدارس خودشان است)
لا بی گری با محوریت سود اقتصادی و درآمد سازمانی جریان های درونی ساختار قدرت	لا بی قدرتمخالفت با اصلاح نهادی-ساختاری	ضعف سازوکار انتصابات و سیاسی بازی در آموزش	تأثیر تعارض منافع نمایندگان (مدیران مدارس را انتخاب می کنند)
مداخله منافع قدرت در مدارس (ساختاری-مدیریتی)	ضعف سازوکار انتخاباتی-نفوذ نمایندگان	تأثیر حامیان بر رفتار تقنینی نمایندگان (اداری)	حمایت معلمان از نمایندگان به بودجه ضعیف و معیشت متزلزل آموزش و پرورش بر می گردد.
حمایت سازوکار محور سیاسی از نمایندگان به دلیل معیشت متزلزل معلمان	حمایت ساختاری حامی پروری	نماینده نمایندگان عامل ایجاد نابرابری	نفوذ اقتصادی نمایندگان مجلس بر نظام آموزشی
نفوذ در ساختار اقتصادی	آموزشی (نهادی-ساختاری)		

تأثیر دخالت نمایندگان در انتصابات و استخدام (تعارض سیاسی و اقتصادی)	انتصابات آموزشی	تلاقی نفوذ سیاسی و منافع اقتصادی در پیوند سیاسی اقتصادی
حامیان نمایندگان انتظار به دست آوردن امکانات در پیکره آموزش و پرورش را دارند	سوگیری متقابل در حمایت از نمایندگان	ادراک اشتباه منافع
ضعف نظارتی نمایندگان به دلیل روابط فرا نهادی	عدم نظارت بر عملکرد وزارتخانه	ضعف نظارت
نفوذ نمایندگان در جهت تخصیص بودجه بالاتر در بخش‌های خاص	بودجه ریزی تبعیض آمیز	بودجه سیاسی
نمایندگان مجلس مبهم‌گویی می‌کنند	ایدئولوژیک محوری نمایندگان مجلس	سلطه ایدئولوژیک
فشار برای تحمیل محتوا به دلایل مذهبی یا سیاسی	منافع ایدئولوژیک و سیاسی	فشار ایدئولوژیک
سیاستگذاری ایدئولوژیک	سیاستگذاری ایدئولوژیک	سیاستگذاری ایدئولوژیک

بر اساس جداول فوق شبکه کلی مضامین و الگوی کیفی مرتبط با تعارض منافع نمایندگان مجلس شورای اسلامی و عوامل موثر در شکل‌گیری آن به شکل زیر قابل ترسیم است:



شکل ۱. شبکه مضامین

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تعارض منافع در میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی در فرآیند سیاستگذاری آموزش و پرورش، پدیده‌ای ساختاری و چندبعدی است که ریشه در ضعف تقنین، ضعف نقش و تفکیک و ساختار نهادی ناکارا، و غلبه سیاستگذاری ایدئولوژیک دارد. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که این سه مقوله اصلی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت، انسجام و کارآمدی سیاست‌های آموزشی اثرگذار بوده و در بسیاری از موارد مانع از تحقق اهداف کلان نظام آموزشی شده‌اند. ضعف تقنین، که شامل پراکندگی و آشفتگی قوانین، عدم شفافیت در فرایند تصویب، و فقدان ارزیابی‌های کارشناسی پیش از قانون‌گذاری است، شرایطی را به وجود آورده که قوانین نه تنها مشکلات موجود را برطرف نمی‌کنند، بلکه بعضاً خود به منبع جدیدی از بحران تبدیل می‌شوند (Harasani et al., 2020; Zolfaghari, 2023).

این یافته با نتایج مطالعات پیشین همخوانی دارد که ضعف در تدوین قوانین آموزشی و عدم انسجام در سیاست‌های تقنینی را از موانع اصلی توسعه کیفی آموزش و پرورش معرفی کرده‌اند (Karimian & Moghaddasi, 2020; Moghaddasi & Karimian, 2019).

همچنین، نتایج نشان داد که ضعف نقش، تفکیک و ساختار نهادی ناکارا، بستر مناسبی برای مداخلات فراقانونی و هم‌پوشانی نقش‌ها فراهم آورده است. در چنین شرایطی، نمایندگان مجلس نه تنها از حوزه وظایف تقنینی فراتر می‌روند، بلکه در انتخاب مدیران، تخصیص بودجه، و

حتی امور اجرایی وزارت آموزش و پرورش مداخله می‌کنند (Ansari, 2022; Zeinaloo et al., 2019). این الگو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین سازگار است که نشان داده‌اند در فقدان تفکیک نقش‌ها و مرزبندی نهادی، نهادهای تقنینی به بازیگران مداخله‌گر در فرآیندهای اجرایی بدل می‌شوند و این امر تعارض منافع را تشدید می‌کند (Anamaradnezhad et al., 2021; Vaseghi Badi & Bani Asad, 2022; Dashtabi, 2022). از منظر نظری، چنین شرایطی با چارچوب‌های نهادی مرتبط است که ضعف در طراحی ساختارها را عامل اصلی ناکارآمدی حکمرانی می‌دانند (Harasani, 2023b).

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، نقش پررنگ سیاستگذاری ایدئولوژیک در شکل‌دهی به تصمیمات نمایندگان بود. در این الگو، نمایندگان با تکیه بر باورهای ارزشی و ایدئولوژیک، محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، و اهداف نظام آموزشی را به نحوی هدایت می‌کنند که با چارچوب فکری خاص آنان هم‌راستا باشد (Aryafard & Beigi Malekabadi, 2023; Najipour, 2023). هرچند این رویکرد می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی کمک کند، اما خطر حذف دیدگاه‌های متنوع و کاهش فضای نقد و نوآوری را نیز در پی دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های بین‌المللی هم‌راستا است که تأکید می‌کنند غلبه ایدئولوژی بر سیاستگذاری آموزشی، به‌ویژه در غیاب مشارکت ذی‌نفعان متنوع، منجر به کاهش کیفیت و افزایش نارضایتی اجتماعی می‌شود (Adriansen et al., 2025; Gormley, 2025).

در مجموع، شواهد این پژوهش نشان می‌دهد که تعارض منافع نمایندگان مجلس در حوزه آموزش و پرورش نه یک پدیده فردی یا موردی، بلکه یک ساختار پایدار و تکرار شونده است که در طول دهه‌ها بازتولید شده است. این ساختار تحت تأثیر عوامل نهادی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد و بدون اصلاحات بنیادین در نظام تقنینی و حکمرانی آموزشی، امکان رفع پایدار آن وجود ندارد (Harasani, 2023a; Silva et al., 2025). بررسی تطبیقی با سایر کشورها نیز مؤید آن است که کشورهایی که موفق به مدیریت تعارض منافع در نظام قانون‌گذاری آموزشی شده‌اند، از ترکیبی از ابزارهای شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت گسترده ذی‌نفعان بهره برده‌اند (Narayanan et al., 2025; Öztel, 2025). در ایران، فقدان چنین سازوکارهایی باعث شده تعارض منافع به عاملی مزمن برای بی‌ثباتی و ناکارآمدی سیاست‌های آموزشی بدل شود.

مطالعه حاضر همچنین نشان داد که شبکه‌های غیررسمی قدرت، از جمله روابط شخصی، خانوادگی و اقتصادی نمایندگان با ذی‌نفعان حوزه آموزش، نقش قابل توجهی در جهت‌دهی سیاست‌ها دارند (Karimian & Moghaddasi, 2019; Mortab et al., 2021). این یافته با نتایج تحقیقات قبلی همخوان است که نشان می‌دهند نفوذ شبکه‌های غیررسمی و حامی‌پروری سیاسی، موجب انحراف سیاستگذاری از اهداف کلان آموزشی و تمرکز آن بر منافع کوتاه‌مدت گروه‌های خاص می‌شود (Altıntaş, 2025; Askari et al., 2019). به‌طور ویژه، مداخلات نمایندگان در روندهای انتصاب و استخدام، که اغلب با انگیزه‌های انتخاباتی و جلب حمایت حوزه‌های انتخابیه انجام می‌شود، از مصادیق بارز این مسئله است.

همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که ضعف در نظام نظارتی بر عملکرد نمایندگان، یکی از عوامل اصلی تداوم تعارض منافع در این حوزه است. فقدان سازوکارهای کارآمد برای ارزیابی تبعات تصمیمات تقنینی، امکان پاسخگویی محدود، و نبود شفافیت کافی در فرایندهای تصمیم‌گیری، موجب شده این پدیده بدون مانع جدی ادامه یابد (Harasani, 2020; Zolfaghari, 2023). مطالعات پیشین نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند که شفافیت و پاسخگویی به‌عنوان دو ستون اصلی حکمرانی خوب، در کنترل و پیشگیری از تعارض منافع نقش حیاتی دارند (Rao, 2025; Vaseghi Badi & Bani Asad Dashtabi, 2022).

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نه تنها با بخش مهمی از ادبیات داخلی در زمینه تعارض منافع همخوانی دارد، بلکه در پرتو مطالعات بین‌المللی نیز قابل تبیین است. همسویی نتایج با تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که برای کاهش تعارض منافع در سیاستگذاری آموزش و پرورش، باید ترکیبی از اصلاحات نهادی، تقویت نظام‌های نظارتی، و ارتقای فرهنگ سازمانی مبتنی بر منافع عمومی به کار گرفته شود (Adriansen et al., 2025).

al., 2025; Silva et al., 2025). این امر مستلزم رویکردی چندسطحی است که علاوه بر تغییرات قانونی، اصلاحات فرهنگی و رفتاری را نیز شامل شود.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز آن بر شرایط علی و نقش نمایندگان مجلس در تعارض منافع بود و به سایر ابعاد مدل پارادایمی کوربین و اشتراوس، همچون شرایط مداخله‌ای یا پیامدها، پرداخته نشد. همچنین، محدودیت زمانی و منابع پژوهش موجب شد که دامنه مصاحبه‌ها به گروه خاصی از خبرگان حوزه آموزش و پرورش و سیاستگذاری محدود شود و سایر ذی‌نفعان همچون والدین و دانش‌آموزان مستقیماً در گردآوری داده‌ها مشارکت نکنند. علاوه بر این، محدودیت در دسترسی به برخی اسناد و اطلاعات غیرعلنی، امکان تحلیل جامع‌تر برخی مصادیق تعارض منافع را کاهش داد.

۱۰

پژوهش‌های آتی می‌توانند با گسترش جامعه آماری و استفاده از روش‌های ترکیبی، ابعاد گسترده‌تری از تعارض منافع در سیاستگذاری آموزشی را بررسی کنند. مطالعه مقایسه‌ای میان ایران و کشورهایی که تجربه موفق‌تری در مدیریت تعارض منافع داشته‌اند، می‌تواند به شناسایی الگوهای مؤثر و بومی‌سازی آن‌ها کمک کند. همچنین، بررسی نقش سایر بازیگران، مانند شوراهای محلی آموزش، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها، در شناسایی و کاهش تعارض منافع، می‌تواند مسیرهای نوینی برای ارتقای شفافیت و پاسخگویی ارائه دهد.

برای کاهش تعارض منافع در سیاستگذاری آموزش و پرورش، لازم است اصلاحات قانونی به‌منظور شفاف‌سازی نقش‌ها و مرزبندی نهادی نمایندگان مجلس انجام شود. ایجاد نظام نظارت مستمر و عمومی بر تصمیمات تقنینی و فراهم کردن بستر مشارکت واقعی ذی‌نفعان در فرآیند سیاستگذاری، می‌تواند به کاهش نفوذ منافع شخصی و گروهی کمک کند. علاوه بر این، تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر شایسته‌سالاری، منع مداخلات فراقانونی در امور اجرایی وزارت آموزش و پرورش، و توسعه بسترهای رسانه‌ای برای افشای موقعیت‌های تعارض منافع، از اقدامات کلیدی در این مسیر به شمار می‌رود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Conflict of interest is recognized as one of the most persistent and structurally embedded challenges in educational governance, exerting profound effects on the quality, coherence, and efficiency of policy decisions within the education sector (Ansari, 2022; Vaseghi Badi & Bani Asad Dashtabi, 2022). In the context of the Islamic Republic of Iran, the role of members of the Islamic Consultative Assembly (Parliament) in shaping, approving, and overseeing educational policies has been substantial; however, evidence shows that in many instances, these interventions have been influenced by conflicting personal, political, or economic interests, which have often overshadowed the pursuit of the public good (Harasani, 2023a, 2023b; Zolfaghari, 2023). This problem is compounded by the fact that education is a strategic and high-priority domain, directly linked to human capital formation and long-term national development (Askari et al., 2019; Najipour, 2023).

From a theoretical perspective, conflict of interest in public policy has been studied as both an ethical and a legal issue, but more importantly as an independent variable capable of undermining institutional efficiency, public trust, and the legitimacy of governance systems (Harasani et al., 2020; Rao, 2025). In the Iranian education sector, conflicts of interest have manifested in various forms, including legislative fragmentation, overlapping institutional mandates, and the predominance of ideological policy orientations (Karimian & Moghaddasi, 2019; Moghaddasi & Karimian, 2019). These findings resonate with international literature, which emphasizes that in the absence of clear institutional boundaries, transparent procedures, and evidence-based policymaking, legislative bodies often become arenas for interest-driven interventions (Adriansen et al., 2025; Gormley, 2025).

Moreover, parliamentary involvement has extended beyond the legislative mandate to include interference in managerial appointments, teacher recruitment, budget allocation, and even curriculum design (Altıntaş, 2025; Zeinaloo et al., 2019). Such overlaps blur the separation of powers and create fertile ground for conflicts of interest (Öztel, 2025). Another critical dimension revealed in prior research is the prevalence of ideological policymaking, wherein parliamentary representatives impose value-laden perspectives on the content and objectives of the education system, sometimes at the expense of pluralism, inclusivity, and pedagogical innovation (Aryafard & Beigi Malekabadi, 2023; Narayanan et al., 2025).

Against this background, this study aimed to identify and analyze the causal factors underlying parliamentary conflicts of interest in the Iranian education policy process. By employing a grounded theory approach and Corbin and Strauss's paradigm model, the study focused on uncovering the structural, procedural, and ideological roots of such conflicts, with the ultimate goal of informing strategies to enhance transparency, accountability, and the primacy of the public interest in educational policymaking.

Methods and Materials

The research adopted a qualitative methodology, employing grounded theory as articulated by Corbin and Strauss. Data collection involved two main stages: a documentary review of relevant legal, policy, and institutional records, and semi-structured interviews with 12 experts, including university professors, senior educational managers, and former high-ranking officials in the Ministry of Education. Participants were selected through purposive sampling based on criteria such as extensive professional experience in education, familiarity with conflict of interest issues, and direct engagement in policy or governance roles.

The data analysis process followed the three-step coding sequence typical of grounded theory: open coding, axial coding, and selective coding. This enabled the systematic identification of concepts, their categorization into themes, and the integration of these categories into a coherent explanatory framework. Analytical rigor was ensured through triangulation of documentary and interview data, member checking with selected participants, and constant comparative analysis throughout the coding process. The Corbin and Strauss paradigm model was applied with a specific focus on causal conditions, omitting other dimensions (context, intervening conditions, strategies, and consequences) to align with the study's objectives.

Findings

The analysis identified three overarching categories as primary causal conditions contributing to parliamentary conflicts of interest in educational policymaking: (1) Weak Legislation, (2) Weak Role Definition, Separation of Powers, and Inefficient Institutional Structure, and (3) Ideological Policymaking.

Weak Legislation emerged as a key factor, encompassing issues such as legal fragmentation, legislative inconsistency, lack of transparency in drafting and approval processes, and insufficient pre-legislative impact assessments. Several participants pointed to cases where laws were crafted in a vague or overly general manner, enabling selective implementation or concealment from public scrutiny. Examples included legislation favoring the recruitment of non-qualified teaching staff (e.g., informal and temporary hires) without adherence to merit-based criteria, driven largely by electoral or patronage motives.

The second major category, *Weak Role Definition, Separation of Powers, and Inefficient Institutional Structure*, referred to the pervasive overlap between legislative and executive functions. Parliamentary representatives were found to interfere extensively in executive domains such as managerial appointments, budget earmarking for specific constituencies, and even operational decisions at the school level. These interventions were often facilitated by the absence of effective party systems, weak accountability mechanisms, and entrenched patron–client relationships between representatives and their electoral base. The data also revealed instances where representatives leveraged legislative powers to protect or advance private educational enterprises in which they or their associates had vested interests.

The third category, *Ideological Policymaking*, described the tendency of some representatives to impose specific ideological or political agendas on the education system. This influence was particularly visible in curriculum content decisions, the promotion or suppression of certain educational programs, and resistance to reforms perceived as incompatible with prevailing ideological orientations. Such interventions frequently disregarded empirical evidence or expert consensus, prioritizing alignment with ideological narratives over educational efficacy.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore the structural and systemic nature of conflicts of interest among parliamentary representatives in Iran's education sector. The persistence of weak legislative processes suggests that reform efforts must prioritize enhancing the technical capacity and independence of legislative bodies, as well as institutionalizing rigorous pre-legislative evaluation mechanisms. Weak role definition and the erosion of separation of powers indicate a need for stronger institutional safeguards to prevent legislative overreach into executive functions, particularly in personnel management and budgetary allocation.

The data also highlight the significant impact of ideological policymaking, which, while potentially serving goals of cultural cohesion, risks marginalizing diverse perspectives and undermining innovation in educational practice. Comparative international research suggests that pluralistic, evidence-based policy environments are more effective in balancing cultural objectives with educational quality and inclusivity.

Addressing these challenges will require a multifaceted strategy. Legal reforms should consolidate and clarify conflict of interest regulations, ensuring that they are comprehensive, enforceable, and publicly accessible. Institutional reforms should strengthen oversight mechanisms, including independent bodies empowered to investigate and sanction breaches of conflict of interest norms. Culturally, there is a pressing need to cultivate a political and organizational ethos that prioritizes the public interest in educational governance over personal or partisan gains.

Ultimately, the study contributes to both the theoretical and practical understanding of how conflicts of interest shape educational policymaking in Iran. By focusing specifically on the causal conditions rooted in parliamentary behavior, it provides a targeted framework for diagnosing and addressing one of the most intractable barriers to effective, equitable, and sustainable educational reform. In doing so, it reinforces the

principle that transparent, accountable, and evidence-driven governance is indispensable for the long-term vitality of the education system and, by extension, the nation's development trajectory.

References

- Adriansen, H. K., Madsen, L. M., Saarinen, T., & Waters, J. (2025). Exploring the peculiar relationship between higher education quality and internationalization: a discourse analytical and spatial reading of four European university strategies. *Nordic Journal of Studies in Educational Policy*, 1-15. <https://doi.org/10.1080/20020317.2025.2462061>
- Altıntaş, M. C. (2025). Family Relations and Religious Education Among Assyrians in Türkiye. *International Journal of Sociology and Social Policy*. <https://doi.org/10.1108/ijssp-10-2024-0478>
- Anamaradnezhad, D., Mohammadi, S., & Hosseini Moghaddam, S. M. (2021). The necessity of legislation in managing conflict of interest situations. *Legal Studies Quarterly*, 13(4).
- Ansari, B. (2022). Managing conflict of interest in the public sector. *Public Law Studies Quarterly*, 52(1).
- Aryafard, H., & Beigi Malekabadi, B. (2023). Review of social studies textbooks based on responsibility indicators, with emphasis on the Fundamental Transformation Document of Education. *Research in Social Studies Education*, 5(2).
- Askari, M., Elhimanesh, M. H., & Parizad, R. (2019). Comparison of educational policymaking in Iran and Japan at the elementary level. *Center for Strategic Studies of the Presidency*, 9(30).
- Gormley, K. (2025). Creativity as a transferable concept in arts education curriculum: Synergies and tensions in the Irish context. *Arts Education Policy Review*, 1-13. <https://doi.org/10.1080/10632913.2025.2451808>
- Harasani, S. (2020). *Methodological framework for examining conflict of interest in organizations*. Center for Governance and Society Empowerment, Academic Jihad.
- Harasani, S. (2023a). *Conflict of interest in simple language: For government employees*. Organization of Academic Jihad Publications.
- Harasani, S. (2023b). *Continuous adaptation and successful failures: The experience of implementing a conflict of interest management system*.
- Harasani, S., Sherkat, A., Sheikh Rezaei, R., Nasiri, F., Soroushfar, Z., Sohrabi, S., Najafi, Z., & Razavi, K. (2020). *Barriers and solutions for managing conflict of interest in education: Interviews with experts*.
- Karimian, J., & Moghaddasi, F. (2019). Bottlenecks of conflict of interest in Iran's education system. *Goftogu Journal*(81).
- Karimian, J., & Moghaddasi, F. (2020). *Reports on poverty, inequality, and conflict of interest: Poverty and inequality in education*. Ministry of Cooperatives, Labour, and Social Welfare, Office of Social Welfare Studies.
- Moghaddasi, F., & Karimian, J. (2019). *Analysis of education policymaking in Iran with an emphasis on educational justice*. Ministry of Cooperatives, Labour, and Social Welfare.
- Mortab, Y., Keshafinia, V., Abbasi, M., Vaseghi, M., & Fallahian, M. (2021). *Conflict of interest in the public sector*. Transparency and Progress Publications.
- Najipour, A. (2023). Education in Iran: Privatization and the crisis of quality and learning. *Borna Journal*.
- Narayanan, M., Selvam, A., & Shanmugapriya, M. (2025). National Education Policy 2020 (Nep) Through Yoga Teaching Modules. *Pijr*, 52-63. <https://doi.org/10.36106/paripex/8704864>
- Öztel, H. (2025). Practice Driven Thought Leadership in Higher Education Professional Services. *Perspectives Policy and Practice in Higher Education*, 29(1), 1-2. <https://doi.org/10.1080/13603108.2024.2432750>
- Rao, S. (2025). Establishing Responsible AI Use Policies for Students in Educational Institutions: A Framework for Governance, Ethics, and Innovation. *Innovapath*, 1(Q2), 5. <https://doi.org/10.63501/jnzer810>
- Silva, J., Silva, A., Araújo, A., & Silva, A. (2025). *Agile Project Management in Government Software Development: Addressing Challenges in Education Public Policy* <https://doi.org/10.5220/0013434800003929>
- Vaseghi Badi, M., & Bani Asad Dashtabi, S. (2022). *The position of the concept of conflict of interest in governance and public policy-making*.
- Zeinaloo, M., Ali Ahmadi, A. R., & Nariman, S. (2019). Examining the causes of conflict of interest among members of the Islamic Consultative Assembly. *Public Policy Quarterly*, 5(2).
- Zolfaghari, A. A. (2023). From A to Z of education regulation: Regulation in Iran's education sector. 4(15).